

همین جهت طاعات و عبادات مردمان کم نخواهد شد. زیرا اگر کسی کار نیکی کند ثواب خواهد یافت و آن کس که کار بدی کند در ازای آن کیفر خواهد دید و این ما هستیم که تغییر کرده‌ایم در حالی که او لایتغیر مانده است، همان‌گونه که شعاع خورشید چشم‌های ضعیف را آزار می‌دهد و چشم‌های سالم را راحت می‌رساند، هر چند که شعاع خورشید فی حد ذاته ثابت و لایتغیر است. و ارستگی محض نیز متوجه عالی‌ترین غایات است که در آن خداوند می‌تواند بنا بر مشیت خود عمل کند، اما در همه قلب‌ها یکسان عمل نمی‌کند، بلکه بر حسب استعداد و قابلیت آنها تأثیری می‌گذارد. الهارت دعایی را برای قلب وارسته نمی‌داند مگر آن‌که تشبه به خدا کند و دعای قلب وارسته همین است و بس، که تشبه به خدا جز با فرمانبرداری از او حاصل نمی‌شود و به هر اندازه که انسان خود را تسلیم مخلوقات کند کمتر به خدا شباهت خواهد داشت. نویسنده در پایان بیان می‌دارد هر انسان متفکری باید در این اندیشه کند که خویشتن را از صورت‌ها عریان کند و به آن وجود بی‌صورت ببیند، زیرا تسلای روحانی خداوند شریف‌تر است. بنابراین او خود را فقط به کسانی خواهد بخشید که از متاع جسمانی بیزار باشند و به خضوع و خشوع کامل درافتند؛ آن زمان است که به ملکوت اعلیٰ نزدیک خواهد شد که برترین و ارستگی، یعنی خداوند، ما را بدین مقام هدایت فرماید.

گزارشگر: سجاد خدابنده‌لو

سنت‌گرایی و موانع فهم آن (۱) و (۲)

انشاءالله رحمتی

اطلاعات: ش ۲۴۲۱۵ و ۲۴۲۱۶، ۲۵ و ۲۶/۳/۸۷

سنت‌گرایی، مفهوم ویژه و مثبتی از سنت را مبنا قرار می‌دهد و به احیا یا تجدید سنت معنا و مفهوم می‌دهد. در این نوشتار ابتدا مفهوم سنت تبیین شده است و در پایان سه مؤلفه اصلی سنت‌گرایی یعنی مابعدالطبیعه، سلسله مراتب هستی و سنت بحث شده است. سنت‌گرایی می‌تواند با تفهیم حقایقی از این دست به دنیای مدرن، زمینه‌ای برای گفت‌وگوی سازنده با دنیای مدرن فراهم سازد.

۱. سنت؛ معمولاً سنت را به معنای آداب و رسوم و به طور کلی همه آنچه از فرهنگ گذشته به نسل‌ها بعدی منتقل شده است، معنا می‌کنند. سنت‌گرایی را می‌توان نوعی نظریه پردازی درباره سنت دانست که در عین حال سنت را به معنایی کاملاً مثبت در نظر می‌گیرد و معتقد است که می‌توان از طریق تجدید سنت، آینده بهتری برای بشریت ترسیم کرد. در نظر سنت‌گرایان، سنت مبدایی ماورایی یا به تعبیر دیگر یک وجه لدی‌الحقی دارد، به موجب همین مبدأزلی‌اش، خود نیز ازلی و نسخ‌ناپذیر است. اگر سنت، حقیقتی پاینده است و باید حضوری فراگیر در عرصه‌های مختلف زندگی بشر داشته باشد، فقدان آن در جوامع

متجدد، خسارتی جبران‌ناپذیر است که سنت‌گرایان در صدد برطرف ساختن آن هستند چرا که به دلیل همین غفلت از سنت، حکمت و قداست دین، در ساحت آگاهی انسان متجدد از دست رفته که سنت‌گرایان، این سنت را به انسان متجدد یادآور می‌شوند.

۲. تعلق داشتن به دوران معاصر؛ سنت‌گرایان دیدگاه خویش را دیدگاه امروزی می‌دانند و هدفشان گره‌گشایی از مشکلات و معضلات انسان امروز در ساحت نظری و عملی می‌باشد. و دیدگاه خود را کارآمدترین دیدگاهی می‌دانند که انسان معاصر می‌تواند بر مبنای آن زندگی فردی و جمعی خود را سامان دهد.

به اعتقاد سنت‌گرایان، تجدد انحراف و انحطاط در تاریخ بشر است، چرا که بشر قدر موهبت علم تجربی و فن‌آوری را نشناخته و در استفاده از آن دچار خطا و افراط شده و کوشش کرده تا با استفاده از این موهبت، معرفت تجربی مطلق شده را به معیار علم تجربی سنجیده که از آن به علم‌پرستی تعبیر می‌شود. سنت‌گرای یک نظریه معاصر است ولی یک نظریه متجدد نیست. اگر دیدگاهی در یک دوران، دیدگاه‌های رایج را کلاً یا جزئی مورد نقادی قرار دهد، در عین حال به مسایل و معضلات مبتلا به بشر در آن دوران و قوف داشته باشد و بکوشد تا برای آن مسایل و معضلات، بر طبق مبانی خود راه حل یا راه‌حلی عرضه کند. آن دیدگاه، دیدگاهی معاصر و تعلق به آن دوران است و سنت‌گرایی این شرایط را احراز می‌کند. به هر تقدیر می‌توان گفت تفاوت سنت‌گرایی با دیدگاه سنتی این است که سنت‌گرایی برخلاف دیدگاه سنتی فعالانه در دنیای معاصر حضور دارد، جریان‌های فکری را درک و نقد کند و می‌کوشد تا دیدگاه سنتی را از حالت انفعال و انزوا به در آورد و آگاهانه درباره‌اش نظریه پردازی کند و به آن امکان دهد تا وظیفه شایسته‌اش را در دنیای معاصر انجام دهد.

۳. موانع؛ به موجب معاصر بودن سنت‌گرایی احساس می‌شود که میان این دیدگاه و برخی از دیدگاه‌های مطرح در دنیای متجدد قرابتی موجود است و یاد دست‌کم امکان پیوند زدن آن با چنین دیدگاه‌هایی وجود دارد. از طرفی سه مفهوم از مفاهیم اصل سنت‌گرایی که برای دنیای معاصر چندان قابل فهم نیست، عبارت است از: مابعدالطبیعه، سلسله مراتب هستی و سنت.

۱. مابعدالطبیعه سنت‌گرایان؛ مابعدالطبیعه و اعلم به حق، معرفه‌الله یا همان عرفان معنا می‌کنند و از سویی سنت‌گرایان با مابعدالطبیعه استدلال‌گرایانه محض مخالف‌اند و آن را نارسا می‌دانند؛ زیرا چشم خویش را بر امکان علم برتر فرو می‌بندد. این مابعدالطبیعه تنها ابزار شناخت را عقل استدلالی می‌داند و می‌خواهد با آن وادی معرفت مابعدالطبیعی را طی کند، حال آن‌که شرط اول قدم این است که از موهبت عقل شهودی برخوردار باشیم. و بتوان امکان مابعدالطبیعه و نظام‌سازی مابعدالطبیعی را برای نگرش مدرن تبیین کرد و گام بعدی این است که معلوم شود، کدام نوع مابعدالطبیعه مقبول‌تر و مطلوب‌تر است. آیا مابعدالطبیعه استدلال‌گرایانه مقبول‌تر است یا مابعدالطبیعه شهودگرایانه که مورد نظر سنت‌گرایان است.

۲. سلسله مراتب؛ یکی از ابعاد اساسی سنت‌گرایی، ذومراتب دانستن عالم است. بر طبق این دیدگاه، عالم هستی دارای مراتبی است که تمایز این مراتب، تمایز تشکیکی است به طوری که تفاوت پایین‌ترین موجود واقع در یک مرتبه با بالاترین موجود در مرتبه پایین‌تر از آن، کمتر از تفاوت آن با بالاترین موجودی است که در همان مرتبه قرار گرفته است. پس نظام عالم هستی، نظامی ذومراتب است ریشه مخالفت با سلسله مراتب در دنیای مدرن را در درجه نخست باید در کمیت‌مداری آن جستجو کرد. دنیای مدرن سخت تمایل به مساوات کمی، تخریب تفاوت‌های کیفی و تحمیل یکنواختی است که فن‌آوری متجدد در اشتراک با ماده‌گرایی و مصرف‌زدگی نابخردانه، آن را در جای‌جای عالم بنام توسعه مادی و ضرورت زندگی در دهکده جهانی ترویج می‌کند. بنابراین می‌توان کمیت‌گرایی دوران مدرن را قابل خدشه دانست و اثبات کرد که خلف تمایزات کیفی به صحنه واقعیت باز شود و این نوع تمایزات نه امور ذهنی بلکه امور عینی تلقی شوند، قبول سلسله مراتب در عالم، ناگزیر خواهد بود.

۳. سنت؛ سنت‌گرایان معتقد نیستند که زندگی گذشته بشر عاری از هرگونه رنج و ابتلا بوده است. درست است که در دنیای مدرن، بشر از قید بسیاری از مشکلات گذشته رها شده، ولی به بسیاری از مشکلات دیگر گرفتار آمده که شدت آنها کمتر از گذشته نیست، ولی در مقام مقایسه می‌توان گفت گذشته با همه نقصان‌هایش هم به لحاظ معنوی، هم به لحاظ مادی ترجیح دارد.

مزارش، محمدباقر محمدی‌منور

وحی در نگاه سنت‌گرایان و نواندیشان (۱) و (۲)

علیرضا قائمی‌نیا

ایزن، ش ۳۹۲۳ و ۳۹۲۲، ۱۱ و ۱۲/۳/۸۷

سنت‌گرایی و نواندیشی در جامعه ما، به عنوان دو جریان فکری مهم مطرح است. جریان نواندیشی پس از سال‌های بعد از انقلاب ظهور و ریشه کرد. توجه کردن به مزایا و معایب هر کدام می‌تواند برای ما که می‌خواهیم در جهان جدید جایگاه فکری خودمان را تعیین کنیم، بسیار مهم باشد. هم سنت‌گرایی یک تعیین‌موقیت در جهان جدید است، هم نواندیشی؛ یعنی یک فرد سنت‌گرا یا نواندیش نسبت به جهان جدید و دستاوردهای فکری جهان جدید واکنش دارد. حال باید دید این دو جریان درباره مفهوم وحی چه موضعی دارند.

سنت‌گرایی و نواندیشی (یا تجددگرایی) هر دو جریانی هستند که نگرشی نسبت به مدرنیسم دارند. نگرش سنت‌گرایی نگرش انتقادی نسبت به مدرنیسم است که تا حد رد و طرد پیش می‌رود و نواندیشی قبول کامل مدرنیسم و دستاوردهای آن است. مدرنیسم مبتنی